

نام: فرزانه

نام خانوادگی: آقاپور

مقطع تحصیلی: دکتری

رشته و گرایش: زبان و ادبیات فارسی-گرایش غنایی

استاد راهنما: دکتر سعید حسام پور، دکتر

تاریخ دفاع: شهریورماه ۱۳۹۶

فریده پورگیو

## تقابل در رمان نوجوان ایران (بررسی پنج رمان برگزیده)

هدف از پژوهش حاضر، بررسی دو تقابل بنیادین ادبیات نوجوان، یعنی تقابل نوجوان/بزرگسال و آموزش/لذت و شیوه‌های القای ایدئولوژی، در رمان‌های نوجوان ایرانی است. با توجه به این که رابطه‌ی تقابلی نوجوان/بزرگسال نمی‌تواند به دور از مناسبت‌های قدرت باشد و ماهیت این تقابل، بر دیگربودگی نوجوان نسبت به بزرگسال استوار است، در تبیین تقابل‌ها به‌ویژه تقابل نخست، از نظریه‌ی قدرت میشل فوکو، دیگرانگی فرهنگی مکتب تارتو و تعریف میخایل باختین از دیگری بهره گرفته شده است. در تعریف ایدئولوژی و نمودهای آن در ادبیات نوجوان، نظریه‌ی جان استیونز و در بحث لذت، نظریه‌ی لذت پری نودلمن و بحث‌های برخاسته از آن مد نظر بوده‌اند. روش پژوهش، کیفی با رویکرد توصیفی تحلیلی است و پنج رمان *من نوکر بابا نیستم* (احمد اکبرپور)، *لالایی برای دختر مرده* (حمیدرضا شاه‌آبادی)، *هستی* (فرهاد حسن‌زاده)، *کنسرو غول* (مهدی رجبی) و *امپراطور کوتوله‌ی سرزمین لیلی‌پوت* (جمشید خانیان)، به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان دادند که در *من نوکر بابا نیستم*، نوجوان کاملاً دیگری بزرگسال است و کنشگر و عاصی نیست، اما با توسل به شیوه‌های نرم‌تر، امتیازهای پنهانی از بزرگسال می‌گیرد. متن چندلایه و تأویل‌پذیر نیست و شکافی برای مشارکت مخاطب باقی نمی‌گذارد. *لالایی برای دختر مرده*، برعکس ظاهر چندآوایش، ایدئولوژی را با شیوه‌های به‌نسبت آشکار، به مخاطب تحمیل می‌کند و از لذت‌بخشی متن می‌کاهد. رابطه‌ی قدرت میان نوجوان و بزرگسال در آن نابرابر و یک‌سویه و در لایه‌های زیرین اتفاق می‌افتد و فرایند خواندن را لذت‌بخش‌تر می‌سازد. در هر دو، رابطه‌ی قدرت میان نوجوان و بزرگسال دوسویه است. *کنسرو غول*، با وجود روساختی هنجارشکن و شخصیتی که می‌کوشد ضد هنجار رفتار کند، نوجوان را در جبری پنهانی، به‌سمت پذیرش هنجارها و نهادهای رسمی اجتماعی سوق می‌دهد. شخصیت نوجوان میان دیگری‌های گوناگون سرگردان است. او نمی‌تواند در نوسان قدرت، سهمی داشته باشد و تسلیم فرایند سلطه و سرکوب نهادهای رسمی می‌شود. در مجموع، رمان‌های حسن‌زاده و خانیان، در فرایند به‌بازی‌گرفتن سلطه‌ی بزرگسال بر نوجوان و کاهش فشار نویسنده‌ی نهفته بر مخاطب پنهان، موفق‌تر عمل کرده‌اند. همچنین، در نگاهی به مجموع نمونه‌ها، جز رمان خانیان، رمان‌های نوجوان، با وجود رشد ساختاری،

نتوانسته‌اند در توانمندسازی نوجوان و گزینش ایدئولوژی‌های آزادی‌بخش پیش روند و در نتیجه، ایدئولوژی را به شکل‌های پیچیده‌تری به مخاطبانش القا می‌کنند و این پیچیدگی، بر شدت تأثیرگذاری ایدئولوژی‌های پنهان می‌افزاید و رابطه‌ی نابرابر قدرت را میان نوجوان و بزرگسال تشدید می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** تقابل نوجوان/ بزرگسال، رمان نوجوان، قدرت، دیگرانگی، لذت، ایدئولوژی، میشل فوکو، جان استیونز.